

سورة الاحقاف



روابط نفتی عربستان و چین ۲۰۰۵-۲۰۰۰

فرصتها و تهدیدهای ایران

پایان نامه ارائه شده به گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه کارشناسی ارشد

در رشته مطالعات منطقه‌ای

توسط:

مختار قاسمی

استاد راهنما:

دکتر محمد باقر حشمت زاده

۱۳۸۸/۱۱/۰۶

استاد راهنما
دکتر محمد باقر حشمت زاده

شهریور ماه ۱۳۸۸

۱۳۰۲۹۰

تقدیم بہ پدر و مادر

برگ تائیدیه پایان نامه

عنوان پایان نامه: روابط نفتی عربستان و چین؛ فرصت‌ها و تهدیدهای ایران

نام دانشجو: مختار قاسمی

دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای (خاورمیانه)

این پایان نامه در جلسه ۲۳/۱۲/۱۳۸۸ با شماره ۱۹ و درجه عالی مورد تایید اعضای کمیته پایان نامه، متشکل از استادان زیر، قرار گرفت:

استاد راهنما

دکتر محمد باقر حشمت‌زاده

امضاء

استاد مشاور

دکتر عبدالعلی قوام

امضاء

استاد داور

دکتر امیر محمد حاجی یوسفی

امضاء



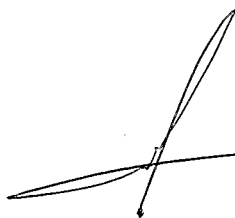
اذعان

مطالب ارائه شده در این پایان نامه توسط ایتجانب در دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی در فاصله زمانی اردیبهشت ۱۳۸۷ تا شهریور ۱۳۸۸ به انجام رسیده، به استثنای کمکهای مورد اشاره در سپاسگزاری محتوای این پایان نامه بطور کامل توسط خود ایتجانب صورت گرفته است. این پایان نامه یا بخشی از آن برای دریافت هیچ مدرکی به این دانشگاه یا دیگر دانشگاهها ارائه نشده است.

مختار قاسمی

شهریور ۱۳۸۸

امضاء



سپاسگزارى

نگارش و تدوين اين مجموعه عملى بود كه بى شك بدون مساعدت، دلگرمى و تشويق ديگران ميسر نمى‌گردد. بر خود لازم مى‌دانم كه از بزرگواران:

جناب آقاى دكتور محمد باقر حشمت‌زاده، استاد راهنما

جناب آقاى دكتور عبدالعلی قوام، استاد مشاور

جناب آقاى دكتور امير محمد حاجى يوسفى، استاد داور

همچنين خانم فلاح كاظمى و ساير دوستان عزيزم آقاى: سيد رسول حسيني، على خسرو شيرى، مير مصطفى سيد اشرفى، محمد رضا قويمى پناه، مجيد موزون، حميد مداحى، حميد سجادى، محمد فقيهى، جعفر محمودى، محمدرضا عبدى، كامران مولودى، على اذرى و توحيد قلى‌زاده كمال سپاس و قدردانى را به عمل آورم.

عنوان: روابط نفتی عربستان و چین؛ فرصت‌ها و تهدیدهای ایران

دانشجو: مختار قاسمی

استاد راهنما: دکتر محمد باقر حشمت‌زاده

دوره کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای (خاورمیانه)

تاریخ ارائه: شهریور ۱۳۸۸

چکیده:

منطقه خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای در ابعاد اقتصادی و سیاسی برخوردار است. این اهمیت در اثر روند تخلیه و کشف ذخایر جدید در عموم مناطق نفتی جهان در حال افزایش می‌باشد. این امر بزرگترین تولیدکنندگان منطقه، یعنی عربستان و ایران و نیز بزرگترین مصرف‌کنندگان نفت جهان، یعنی آمریکا و چین را متأثر خواهد کرد. پس از انقلاب ایران، عربستان با کمک آمریکا همواره تلاش داشته تا با حذف ایران از معادلات سیاسی و امنیتی منطقه بر کنترل و نفوذ خود در منطقه بیفزاید. اما پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳، چالش‌های مهمی در ساختار سیاسی - امنیتی منطقه و روابط استراتژیک آمریکا و عربستان به وجود آمد. حضور چین در منطقه نیز به دلایل اقتصادی بر پیچیدگی معادلات سیاسی - امنیتی منطقه و روابط کشورهای عمده منطقه افزوده است. عربستان در این معادلات تلاش دارد تا کاهش اهمیت و جایگاهش در سیاست‌های آمریکا در منطقه را از طریق ایجاد پیوندهای نفتی با چین جبران کرده و نیز مانع از تعمیق روابط چین با ایران به شکلی که منافع عربستان را تهدید نماید، شود.

واژگان کلیدی: روابط نفتی، عربستان سعودی، چین، خلیج فارس، ساختار سیاسی - امنیتی.

چکیده

منطقه خلیج فارس از اهمیت ویژه‌ای در ابعاد اقتصادی و سیاسی برخوردار است. این اهمیت در اثر روند تخلیه و کشف ذخایر جدید در عموم مناطق نفتی جهان در حال افزایش می‌باشد. این امر بزرگترین تولید کنندگان منطقه، یعنی عربستان و ایران و نیز بزرگترین مصرف کنندگان نفت جهان، یعنی آمریکا و چین را متأثر خواهد کرد. پس از انقلاب ایران، عربستان با کمک آمریکا همواره تلاش داشته تا با حذف ایران از معادلات سیاسی و امنیتی منطقه بر کنترل و نفوذ خود در منطقه بیفزاید. اما پس از حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱ و پس از اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳، چالش‌های مهمی در ساختار سیاسی - امنیتی منطقه و روابط استراتژیک آمریکا و عربستان به وجود آمد. حضور چین در منطقه نیز به دلایل اقتصادی بر پیچیدگی معادلات سیاسی - امنیتی منطقه و روابط کشورهای عمده منطقه افزوده است. عربستان در این معادلات تلاش دارد تا کاهش اهمیت و جایگاهش در سیاست‌های آمریکا در منطقه را از طریق ایجاد پیوندهای نفتی با چین جبران کرده و نیز مانع از تعمیق روابط چین با ایران به شکلی که منافع عربستان را تهدید نماید، شود.

واژگان کلیدی: روابط نفتی، عربستان سعودی، چین، خلیج فارس، ساختار

سیاسی - امنیتی.

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	کلیات.....
۱	مقدمه و طرح مسئله.....
۴	علل انتخاب موضوع.....
۵	بررسی متون مرتبط با موضوع.....
۶	سئوال اصلی.....
۶	سئوالات فرعی.....
۶	مفروضات.....
۷	فرضیه.....
۷	مفاهیم.....
۸	متغیرها.....
۹	روش تحقیق.....
۹	سازمان دهی تحقیق.....
۱۰	فصل اول: چارچوب نظری.....
۱۰	روندها و تحولات بین المللی.....
۱۳	مفهوم قدرت.....
۱۶	مفهوم امنیت.....
۲۰	نظریه واقعگرایی گیلپین.....
۲۷	فصل دوم: نفت و سیاست انرژی عربستان و چین.....
۲۷	چشم انداز جهانی نفت.....
۴۰	ذخایر و تولید نفت چین.....
۴۳	ذخایر و تولید نفت عربستان.....
۴۶	سیاست انرژی چین.....
۴۸	الف- سیاست انرژی داخلی.....
۴۸	۱- بهینه سازی مصرف و استفاده از سوخت های جایگزین.....
۴۹	۲- ذخایر استراتژیک نفت.....
۵۰	ب- سیاست بین المللی انرژی.....
۵۰	۱- ایجاد روابط دوستانه و سرمایه گذاری در کشورهای تولید کننده نفت.....

۵۳ امنیت مسیره‌های انتقال انرژی
۵۴ سیاست انرژی عربستان
	فصل سوم: روابط سیاسی عربستان و چین و ساختار امنیتی و سیاسی خلیج فارس
۶۴ ساختارهای امنیتی و سیاسی خلیج فارس
۶۵ الف- دکترین نیکسون
۶۷ ب- از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تا پایان جنگ ایران و عراق
۷۰ ج- ترتیبات امنیتی از اشغال کویت تا اشغال عراق
۷۲ چالش سیاسی عربستان سعودی پس از یازده سپتامبر
۷۴ روابط سیاسی عربستان و چین
	فصل چهارم: آمریکا و گسترش روابط عربستان و چین
۸۴ اصول و ویژگیهای نظم نوین جهانی آمریکایی
۸۴ ۱- ارزشها و منافع ملی آمریکایی
۸۵ ۲- مداخله‌گرایی
۸۵ ۳- توسعه همکاری
۸۶ ۴- واگذاری مسئولیت بیشتر به سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای
۸۷ منافع اقتصادی آمریکا در خلیج فارس
۸۸ ۱- امنیت انرژی
۹۳ ۲- جذب درآمدهای نفتی
۹۵ ۳- حفظ هژمونی دلار آمریکا
۹۸ استراتژیهای آمریکا در خلیج فارس پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱
۱۰۲ علل تضعیف همکاری سیاسی - امنیتی آمریکا و عربستان
۱۰۶ دیدگاه آمریکا در قبال روابط چین و عربستان
	فصل پنجم: ایران و روابط سیاسی - نفتی عربستان و چین
۱۰۹ سیاست عربستان در منطقه خاورمیانه
۱۱۱ سیاست عربستان در نظام بین‌الملل
۱۱۴ چالشهای سیاسی میان آمریکا و چین
۱۱۶ فرصتها و تهدیدهای ایران
۱۲۲ نتیجه‌گیری

۱۲۷ منابع
۱۲۷ الف) فارسی
۱۳۰ ب) انگلیسی

فهرست نمودارها، جدولها، شکلها

جدول ۱- مناطق عمده صادرکننده و واردکننده نفت جهان ۲۰۰۳	۲۹
جدول ۲- ذخایر مناطق عمده نفتی جهان ۲۰۰۲	۳۱
جدول ۳- سهم کشورها و مناطق مختلف جهان از تولید نفت ۲۰۱۰-۲۰۲۵	۳۳
جدول ۴- سهم چین و مناطق مختلف جهان از تقاضای نفت ۲۰۰۰-۲۰۲۵	۳۴
جدول ۵- تولید نفت کشورها و مناطق مختلف جهان بر حسب میلیون بشکه در روز ۲۰۰۲	۳۸
جدول ۶- میزان تقاضا و تولید نفت به میلیون بشکه در چین ۱۹۹۰-۲۰۱۰	۵۳
جدول ۷- واردات نفت امریکا از کشورهای مختلف ۲۰۰۲	۹۳

شکل ۱: متغیرها و ساختار سیاسی-امنیتی خلیج فارس..... ۸

نمودار ۱- مناطق عمده صادرکننده و واردکننده نفت جهان ۲۰۰۳	۲۹
نمودار ۲- ذخایر مناطق عمده نفتی جهان ۲۰۰۲	۳۱
نمودار ۳- سهم کشورها و مناطق مختلف جهان از تولید نفت ۲۰۱۰-۲۰۲۵	۳۳
نمودار ۴- سهم چین و مناطق مختلف جهان از تقاضای نفت ۲۰۰۰-۲۰۲۵	۳۴
نمودار ۵- ذخایر نفت کشورها و مناطق مختلف جهان بر حسب میلیارد بشکه ۲۰۰۲	۳۶
نمودار ۶- تولید نفت کشورها و مناطق مختلف جهان بر حسب میلیون بشکه در روز ۲۰۰۲	۳۷
نمودار ۷- تقاضا و تولید نفت در چین ۱۹۹۰-۲۰۱۰	۵۲
نمودار ۸- روابط تجاری عربستان و چین	۷۶
نمودار ۹- واردات نفت امریکا از کشورهای مختلف ۲۰۰۲	۹۲
نمودار ۱۰- روابط تجاری عربستان و ایالات متحده	۹۷

کلیات

مقدمه و طرح مسئله

خلیج فارس به عنوان دارنده بزرگترین ذخیره نفت جهان از اهمیت ویژه‌ای در ابعاد اقتصادی و سیاسی برخوردار است. در بعد اقتصادی این منطقه با داشتن ۶۷ درصد از ذخایر جهانی نفت و تولید ۲۲ میلیون بشکه نفت در روز اهمیتی حیاتی در تأمین نیازهای جهانی نفت دارد. این منطقه نفتی به دلیل ذخایر بالا و هزینه استخراج کم نسبت به سایر مناطق، مورد توجه ویژه قدرت‌های بزرگ قرار گرفته است. عامل تشدید کننده این روند، سیر نزولی در حجم ذخایر و توان تولید مناطق نفتی دیگر جهان، خصوصاً ذخایر دریای شمال و آمریکای شمالی می‌باشد.

در این مناطق میزان تخلیه نسبت به حجم کل ذخیره و کشف ذخایر جدید قابل توجه است. این نسبت‌ها در این مناطق به شکل بارزتری در مقایسه با منطقه خلیج فارس قابل درک است. در اثر این روند تخلیه و کشف ذخایر جدید در عموم مناطق نفتی جهان، پیش‌بینی می‌شود که نیاز به نفت منطقه خلیج فارس افزایش یابد.

به عبارتی بزرگترین مصرف کنندگان نفت در جهان در آینده برای رفع نیازهای نفتی خود نیازمند نفت این منطقه خواهند بود. این امر بزرگترین تولید کنندگان نفت در منطقه یعنی عربستان و ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

این دو کشور به طور سنتی رقیب سیاسی و نفتی یکدیگر در طول سال‌های کشف نفت و شکل‌گیری کشورهای جنوب خلیج فارس بوده‌اند. رقابت آنان در دوره حکومت پهلوی در ایران، در قالب همکاری با غرب و تلاش ویژه در نزدیکی با آمریکا بود که مانع از بروز بسیاری

اختلافات آنان در منطقه و سیاست‌های منطقه‌ای می‌شد. علاوه بر آن سیاست تندروانه مصر و عراق نیز عاملی در جهت نزدیکی دو کشور در قالب ساختار امنیتی و سیاسی منطقه بود. با انقلاب ایران رقابت‌های میان دو کشور که بر پایه تولید و صادرات نفت بود از شکل اقتصادی و نفتی خود به شکل سیاسی و ایدئولوژیک تغییر کرد. در این دوران محور اصلی رقابت‌های طرفین بر پایه سیاست منطقه‌ای و گسترش ایدئولوژی اسلام سیاسی مورد نظر ایران بود. عربستان با کمک آمریکا همواره تلاش داشته تا با حذف ایران از معادلات سیاسی و امنیتی منطقه بر کنترل و نفوذ خود در منطقه بیفزاید. همراستا با سیاست عربستان، آمریکا نیز با طرح سیاست مهار دو گانه تلاش کرد تا قدرت ایران و عراق را در منطقه بر علیه یکدیگر توازن بخشد. در این شرایط عربستان از جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های آمریکا در سطح منطقه برخوردار شد.

رهبری عربستان و نقش منفرد آن در اوپک و تأمین نیاز جهانی نیز مزید بر علت بود. عربستان به عنوان تولید کننده شناور نفت نقش تعیین کننده‌ای در عرضه جهانی نفت داشت. نمونه‌های عینی این نقش آفرینی در انقلاب ایران و کاهش تولید ناشی از آن و نیز جنگ ایران و عراق و حمله عراق به کویت و خروج نفت هر دو کشور از بازار جهانی، کاملاً به چشم می‌خورد.

عربستان در همه این موارد تلاش کرد تا کسری نفت ناشی از بحران‌ها را تأمین نماید. این امر نشان دهنده جایگاه ویژه نفت در سیاست خارجی و تلاش عربستان در ایفای نقش نزدیک‌تر به آمریکا و جایگاه محوری‌تر در ساختار امنیتی و سیاسی منطقه است. در ادامه این روند و با افزایش تولید نفت اعضای اوپک، عربستان به عنوان تولید کننده شناور تولید خود را تا ۳ میلیون بشکه در روز برای بهبود قیمت‌ها کاهش داد. این امر می‌توانست موجب تضعیف نقش عربستان در بازار جهانی نفت شود از سوی دیگر توان این کشور را برای مقابله با قدرت ایران در

منطقه کاهش می‌داد. لذا عربستان نقش تولید کنندهٔ شناور نفت خود را به اوپک منتقل نمود. با این اقدام تمامی کشورهای عضو اوپک در کاهش یا افزایش تولید شریک بودند و علاوه بر کاهش فشارهای سیاسی بر عربستان ناشی از کاهش تولید جهت بهبود قیمت، مانع سواری مجانی اعضای اوپک از جایگاه و نقش عربستان می‌شد.

تأثیر این اقدام نفتی عربستان در عرصهٔ سیاسی منطقه تشکیل شورای همکاری خلیج فارس به رهبری عربستان و با حمایت آمریکا بود. در این مورد هم هدف انتقال بار موازنه قدرت با ایران به دوش همهٔ کشورهای جنوب خلیج فارس به رهبری عربستان بود. به عبارتی عربستان با استفاده از ابزار نفت بخشی از هزینه‌های سیاسی و اقتصادی خود را به دیگران منتقل نمود. در این روند همکاری و حمایت آمریکا نقش تعیین کننده‌ای در موفقیت عربستان داشت.

موازنه ایجاد شده در منطقهٔ خلیج فارس ابتدا با حادثهٔ ۱۱ سپتامبر و سپس با اشغال عراق توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳ دستخوش دگرگونی شد. عراق موازنه کننده و بازدارندهٔ قدرت ایران سقوط کرد و بر قدرت ایران در منطقه افزوده شد. در کنار آن قدرت گرفتن شیعیان در عراق تهدیدی بر علیه عربستان محسوب می‌شد.

از سوی دیگر سیاست‌های آمریکا در عراق چالش‌هایی برای عربستان ایجاد می‌نمود و عربستان ناچار به اتخاذ سیاست‌هایی شد که همسو با سیاست‌های آمریکا در عراق نبود و بعضاً رو در روی آن قرار می‌گرفت. در کنار این مسئله فشارهایی از سوی آمریکا بر عربستان در زمینهٔ اصلاحات، دموکراسی و حقوق بشر وارد می‌شد که از حادثهٔ ۱۱ سپتامبر و واکنش‌های آمریکا نسبت به آن نشأت می‌گرفت.

در خلال این جریان‌ها و روندها حضور چین در منطقه برای تأمین نیاز نفتی روز افزونش بر پیچیدگی مسأله افزود. چین با اتخاذ رویکردی اقتصادی در استراتژی توسعهٔ ملی خود،

تلاش دارد تا روابط سیاسی را در جهت پیشرفت اقتصادی و حضور مؤثر در بازارهای جهانی تعریف و تبیین نماید. در این راستا چین روابط اقتصادی خود را با ایران، شورای همکاری خلیج فارس و در رأس آن عربستان گسترش داده است. علاوه بر مسائل اقتصادی و تلاش برای کسب سود از بازارهای منطقه، چین دارای محرک‌های دیگری نیز هست که شاید مهمترین آنها ادامه رقابت استراتژیک میان چین و آمریکا در آسیای مرکزی برای تأمین نیازهای نفتی آینده چین و حضور در بازار آن منطقه می‌باشد. منطقه آسیای مرکزی به دلیل حضور آمریکا، وجود ذخایر نفت و نیز همسایگی با منطقه خلیج فارس جایگاه ویژه‌ای در سیاست‌های چین و آمریکا دارد. و رقابت چین با آمریکا در قالب اقتصادی در منطقه خلیج فارس متأثر از این حوزه خواهد بود. ایران و عربستان به عنوان دو بازیگر مهم منطقه‌ای تلاش می‌کنند تا با استفاده از توان نفتی خود به گسترش روابط سیاسی با چین مبادرت نمایند.

اقدامات طرفین برای حضور متقابل در بازار نفت چین پیوند نزدیکی با نیازهای سیاسی آنان در شرایط جدید منطقه دارد. این امر در حالی جریان دارد که آمریکا به واسطه حضور نظامی و سلطه امنیتی و سیاسی بر شورای همکاری خلیج فارس و عراق، تلاش می‌نماید تا ایران را هم چنان از شرکت در نظام امنیتی و سیاسی منطقه محروم نماید.

علل انتخاب موضوع

به لحاظ نظری نقش رو به رشد چین در عرصه بین‌الملل و گسترش روابطش با کشورهای خلیج فارس دارای تبعات مؤثری در معادلات امنیتی و سیاسی منطقه خلیج فارس است. این امر به خصوص در مورد جایگاه آمریکا به عنوان قدرت برتر و مسلط در منطقه و نیز ایران به عنوان دولت نفتی در منطقه خلیج فارس، تأثیر گذار خواهد بود. به لحاظ عملی نفت و تعاملات نفتی در این میان نقش تعیین کننده‌ای دارد. این که دولتها با چه سیاست انرژی‌ای به بازار

منطقه و بین‌الملل وارد می‌شوند، متغیری تأثیر گذار در عرصه روابط سیاسی و امنیتی آنان است. بی‌شک حضور چین در مبادلات نفتی منطقه، افق جدیدی از روابط سیاسی و اقتصادی را عملی خواهد کرد و بر پیچیدگی روابط بازیگران این عرصه می‌افزاید.

بررسی متون مرتبط با موضوع

در زمینه متون مربوط به روابط سیاسی منتج از روابط نفتی میان عربستان و چین، متأسفانه دچار فقر منابع فارسی هستیم. متون مربوطه در زبان انگلیسی گسترده‌تر و جامع‌تر می‌باشد.

مهمترین آثار به زبان فارسی شامل کتب «مجموعه گزارش کشوری انرژی: چین» و «مجموعه گزارش کشوری انرژی: عربستان» می‌باشد که به مسئله حجم ذخایر و تولید و مصرف طرفین پرداخته و به میزان سرمایه‌گذاری در صنایع نفتی نیز اشاره‌ای مختصر در قالب تولید نموده است. سایر منابع فارسی که در ارتباط با این موضوع وجود دارد در رابطه با سوال اصلی تحقیق نمی‌باشد. مانند مقاله "نفت خلیج فارس؛ چالشها و سیاستهای امریکا" نوشته دکتر محمود یزدان فام که به سیاستهای امریکا در رابطه با نفت خلیج فارس پرداخته است. مقاله "رویداد یازدهم سپتامبر و آثار آن بر سیاست نفتی چین" نوشته آقای امیر حسین خواجوی که سیاست نفتی چین را پس از یازدهم سپتامبر بررسی کرده اند. همچنین مقاله "سیاست خاورمیانه ای چین" نوشته دکتر محسن شریعتی نیا سیاست خارجی چین را در قبال منطقه خاورمیانه بررسی میکند. در بخش منابع انگلیسی نیز منابع در دسترس به بررسی پیامد روابط نفتی عربستان و چین بر روابط سیاسی طرفین و ساختار سیاسی-امنیتی منطقه نمی‌پردازد. مانند مقاله آقای جان کلبرس^۱ که روابط میان چین و کشورهای خلیج فارس را

^۱ - John Calabrese

بررسی میکند. همچنین مقاله آقای استفان پی. متیوس^۱ که روابط کشورهای خاورمیانه و چین و آمریکا را در زمینه امنیت انرژی شرح داده است.

سؤال اصلی

روابط نفتی عربستان و چین چه تأثیری بر معادلات سیاسی - امنیتی در خلیج فارس دارد؟

سئوالات فرعی

- ۱- عربستان چه جایگاهی در سیاست‌های تأمین انرژی چین دارد؟
- ۲- روابط نفتی چین و عربستان چه تأثیری بر روابط سیاسی دو کشور دارد؟
- ۳- دیدگاه و واکنش آمریکا در قبال روابط نفتی چین و عربستان چیست؟
- ۴- تعاملات نفتی عربستان و چین چه فرصت‌ها و چالش‌هایی برای ایران ایجاد نموده است؟

مفروضات

- ۱- آمریکا مؤثرترین قدرت خارجی در منطقه خلیج فارس است.
- ۲- آمریکا مخالف حضور ایران در ساختار سیاسی - امنیتی خلیج فارس می‌باشد.
- ۳- مؤثرترین متغیر در ساختار سیاسی - امنیتی منطقه خلیج فارس، تعاملات نفتی است.
- ۴- تعاملات متقابل سیاسی - امنیتی ایران و عربستان در خلیج فارس مبتنی بر رقابت است.

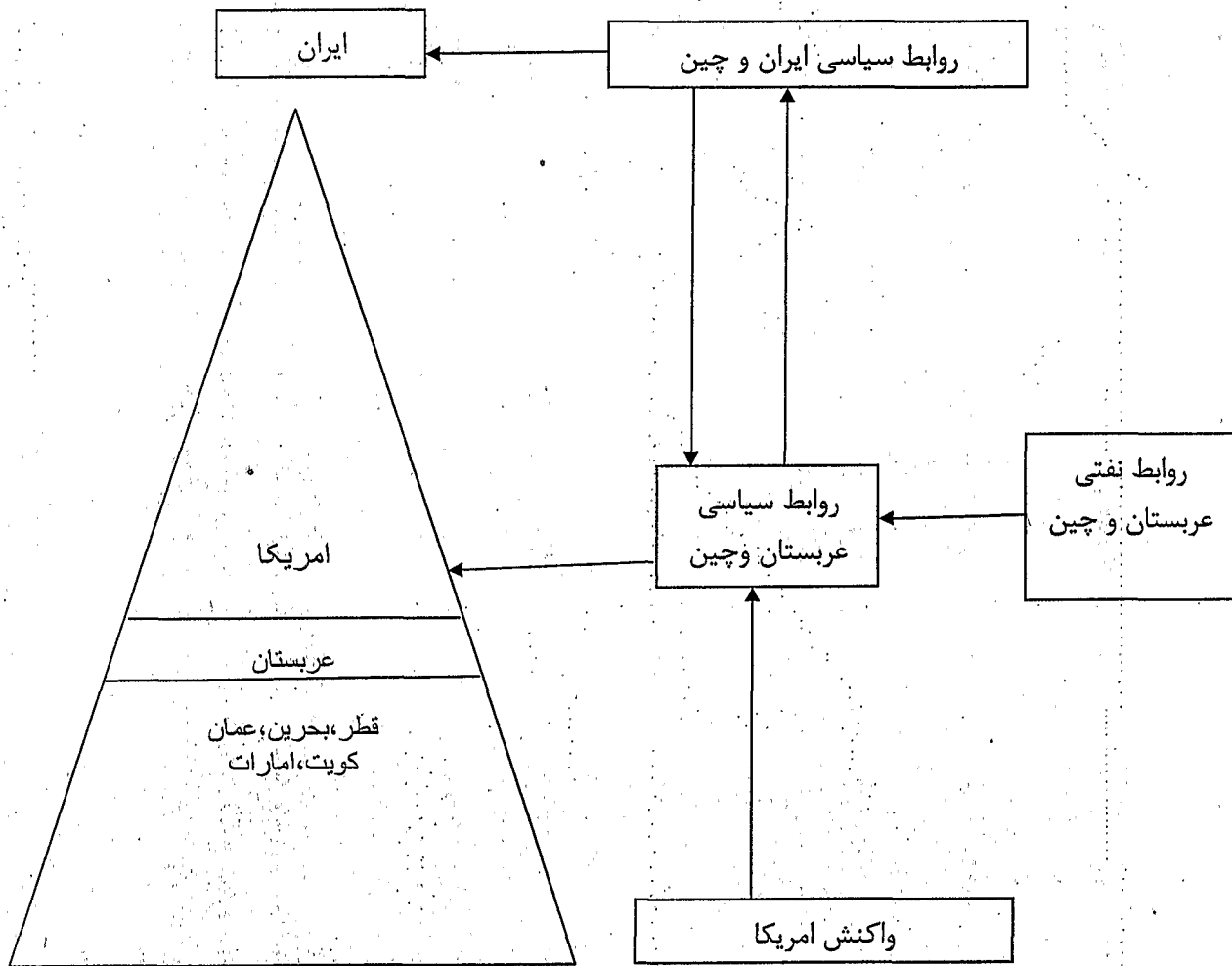
1- Stephen P Matthews

فرضیه

تعاملات نفتی عربستان و چین بر ساختار سیاسی - امنیتی منطقه خلیج فارس تاثیر دارد و منافع و امنیت ملی ایران در این رابطه متأثر خواهد شد.

مفاهیم

تعاملات سیاسی - امنیتی، سیاست انرژی، رقابت سیاسی، بازار، قدرت، امنیت، ساختار سیاسی و امنیتی خلیج فارس



ساختار سیاسی-امنیتی خلیج فارس

شکل ۱: متغیرها و ساختار سیاسی-امنیتی خلیج فارس

متغیرها

متغیر مستقل: روابط نفتی عربستان و چین

متغیر میانی: روابط سیاسی عربستان و چین

متغیر مداخله‌گر: واکنش امریکا

متغیر وابسته: ساختار سیاسی و امنیتی خلیج فارس